

بینامتنیت در داستانهای کودک و نوجوان

دکتر سید حسین رضویان

استادیار دانشگاه سمنان

Razavian@semnan.ac.ir

فهیمة جاودانی زرین

کارشناس ارشد زبانشناسی همگانی، دانشگاه سمنان

Fahimeh.javadani@gmail.com

ریحانه کیانی

کارشناس ارشد زبانشناسی همگانی، دانشگاه سمنان

Rayhaneh.kiani2015@gmail.com

چکیده

با ظهور نظریه بینامتنیت که از مهم‌ترین کشف‌های قرن بیستم بود، این واژه در حوزه پژوهش‌های ادبیات کودک جای خود را باز کرد و البته این پژوهش‌ها تا به امروز بیشتر همسو با ادبیات بزرگسال بوده است. بینامتنیت به رابطه بین متون با هم می‌پردازد و تاکید کلی این نظریه بر این اندیشه استوار است که متون مستقل از یکدیگر نیستند. با توجه به این نکته در مقاله حاضر، تلاش بر این است که به بررسی سه سطح مختلف بینامتنیت در ادبیات کودک و نوجوان بپردازیم و این بررسی منحصراً با تکیه بر نظریه بینامتنیت ژرار ژنت انجام می‌پذیرد. بر همین اساس از ۸ داستان در ادبیات کودک گروه سنی الف و ب و ۵ اثر در ادبیات نوجوان گروه سنی ج و د استفاده کرده‌ایم. در انتخاب داستان‌ها نیز تلاش نموده‌ایم آنچه از قلم نویسنده اثر اتفاق افتاده را برگزینیم و داستان‌ها شامل گردآوری، اقتباس و بازنویسی نباشند چراکه، در این گونه آثار متن اصلی اثر آماده و مشخص است و تنها تغییراتی در آن ایجاد شده، تا نشان دهیم در همه آثار تألیفی می‌توان رابطه بینامتنی را یافت. از بررسی آثار منتخب نیز مشخص شد که کاربرد بینامتنیت به طور کلی در ادبیات نوجوان بیش از ادبیات کودک است. هم‌چنین، کاربرد بینامتنیت ضمنی در هر دو گروه بیش از سایر روابط بینامتنی دیگر بوده است که، معتقدیم دلیل این امر وجود پیش‌متن‌های فراوان و استفاده نویسندگان از عناصری مانند

کنایه، اشعار و عناصر فرهنگ عامیانه می‌باشد. **دانشگاه سمنان، فصلنامه علمی پژوهشی زبان و ادبیات فارسی - دی ۱۳۹۹**

کلید واژه‌ها: بینامتنیت، ادبیات کودک و نوجوان، گروه سنی الف و ب، گروه سنی ج و د

۱. مقدمه

هر آغازی برای نوشتن نیازمند اطلاعاتی از قبل می‌باشد که با توجه به مطالب درج‌شده در متون پیشین می‌توان متنی جدید خلق کرد. با این توصیف می‌توان گفت که هر متنی نیازمند متون پیش از خود می‌باشد؛ پس می‌توان گفت که تمامی متن‌ها در طول تاریخ تا به امروز به صورت زنجیره‌وار به هم متصل شده‌اند تا شاهد خلق آثار جدیدی باشیم. این وابستگی متون پسین به متون پیشین را با اصطلاح بینامتنیت (Intertextuality) عنوان می‌کنند که برای اولین بار شخصی به نام یولیا کریستوا (Julia Kristeva) آن را در سال ۱۹۶۶ در مقاله‌ای با عنوان «کلمه، گفت‌وگو، رمان» مطرح کرد که در قرن بیستم به اوج شکوفایی خود رسید؛ افرادی نیز از جمله ژرار ژنت (Gerard Gente) که چارچوب نظری این پژوهش نیز بر آن استوار است، به شرح و تفصیل آن‌ها همت گماردند.

بینامتنیت در همه متون وجود دارد و از این منظر قابل بررسی است بر همین اساس کتابهای حوزه کودک نیز از این ارتباط مستثنی نیستند. در دایره‌المعارف فارسی تعریفی که از ادبیات کودک و نوجوان آمده چنین است: «این عنوان معمولاً به مجموعه آثاری اطلاق می‌شود که برای اطفال و نوجوانان نوشته شده و به منظور سرگرمی و آموزش آنان

فراهم شده و به معنای وسیع‌تر آثاری که از لحاظ لفظ و تعبیر متناسب با سنین مختلف کودکان و نوجوانان باشد» (قرل ایغ، ۱۳۸۶: ۴۴). تعریف فوق آشکارا به وجود ادبیات مستقل و متناسب با ویژگی‌های دوره کودکی و نوجوانی تاکید می‌کند.

«ظهور بینامتنیت در وادی ادبیات کودک و نوجوان هم‌چون نفوذ آن به ادبیات بزرگسالان، کتمان ناپذیر است. در میان آثاری که برای کودک و نوجوان خلق شده است، متون مکتوب، مصور یا برگرفته از فرهنگ شفاهی دیده می‌شود که در آن رد پای «پیش آثار» یا «پیش اثر» چنان بر «اثر جدید» جا انداخته است که گاه علی‌رغم سعی نویسنده در تنظیم دوباره فکر جدید و اجرای آن در متن، نمی‌توان مرجع را نادیده گرفت» (جلالی، ۱۳۹۴: ۱۴۴-۱۴۵).

مطابق تعریف بینامتنیت در هر اثر ادبی ردپایی از آثار پیشین وجود دارد و بر آثار بعد از خود نیز می‌تواند اثر گذار باشد، و رابطه متون با یکدیگر را مانند شبکه‌ای ارتباطی می‌پندارند. بینامتنیت «مبتنی بر این اندیشه است که متن نظامی بسته، مستقل و خود بسنده نیست بلکه؛ پیوندی دوسویه و تنگاتنگ با سایر متون دارد» (مکاریک، ۱۳۸۵: ۷۲).

این نظریه، نظریه‌ای است که به خوانش یک متن یا یک اثر هنری در راستای متون دیگر می‌پردازد و با این روش تأثیری را که متن‌های جدید در خلق آثار جدید می‌گذارند، مورد توجه قرار می‌دهد. این اصطلاح نخستین بار توسط یولیا کریستوا از دهه ۱۹۶۰ مطرح شد و سپس کسانی چون رولان بارت و ژرار ژنت، به اصلاح و گسترش این نظریه پرداختند (آلن، ۱۳۸۰: ۱۲۹).

آن‌چه، در پژوهش حاضر برای ما حائز اهمیت است، وجود روابط بینامتنی در ادبیات کودک و نوجوان است. نگارندگان در این اثر در پی کشف عناصر بینامتنی از بین داستان‌های منتخب حوزه ادبیات کودک و نوجوان در چهار گروه سنی و بر اساس چارچوب نظری ژنت (۱۹۹۷) می‌باشند و تلاش نموده‌ایم که سه سطح مختلف بینامتنیت از جمله بینامتنیت صریح و اعلام شده، بینامتنیت غیر صریح و بینامتنیت ضمنی را بررسی کنیم.

۲. بینامتنیت

نظریه تعامل متن‌ها یکی از مهم‌ترین مباحثی است که همواره مورد توجه پژوهشگران ساختارگرا و پساساختارگرا مانند کریستوا، بارت، ژنت، دریدا و ... قرار گرفته است. نظریه پردازان امروزی معتقدند که هر متن فاقد معنای مستقل است، متون از یکدیگر تأثیر می‌پذیرند و در همین ارتباط، شکل می‌گیرند. این متفکران چگونگی ارتباط یک متن با متون دیگر را بینامتنیت نامیده‌اند که به اعتقاد گراهام آلن این عبارت «از رایج‌ترین اصطلاحات مورد استفاده و سوءاستفاده در واژگان نقادی معاصر است» (آلن، ۱۳۸۵: ۱۲).

۲-۱ بینامتنیت ژنتی

ژرار ژنت از دیگر نظریه‌پردازانی است که در مطالعات بینامتنی سهم بزرگی دارد و روابط بین متن‌ها را در ابعادی وسیع‌تر از مطالعات کریستوایی بررسی کرده و عنوان ترامتنیت را در مطالعه این مباحث برگزیده است. ژنت ترامتنیت را به پنج مقوله مشخص‌تر تقسیم کرده و نخستین نوع ترامتنیت را بینامتنیت نامیده که با بینامتنیت کریستوایی متفاوت است و ابعاد محدودتری دارد. او این بینامتنیت را به «حضور هم‌زمان دو متن یا چندین متن و حضور بالفعل یک متن در متنی دیگر تعبیر می‌کند.» (ژنت، ۱۹۹۷: ۱). به عبارت دیگر از دیدگاه ژنت، بینامتنیت زمانی اتفاق می‌افتد که بخشی از یک متن در متن دیگر حضور دارد.

آنچه ژرار ژنت در نظریه‌های خود مطرح می‌کند، به مراتب گسترده‌تر از بینامتنیت است. او حوزه فعالیت‌های خود را فراتر از بینامتنیت گسترش داد و بر این باور بود که در قالب ترامتنیت است که می‌توان کلیه روابط میان متن و غیر خودش را بررسی کرد. وی در نظریه ترامتنیت، محور بینامتنیت را حضور هم‌زمان دو یا چند متن و نیز حضور بالفعل یک متن در متن دیگر می‌داند و به روابط تأثیر و تأثر متن‌ها می‌پردازد (احمدی، ۱۳۸۶: ۳۲۰).

۲-۲ گونه های بینامتنیت از منظر ژنت

۲-۲-۱ بینامتنیت صریح و اعلام شده: بیانگر حضور آشکار یک متن در متن دیگر است. به عبارت روشن تر در این نوع بینامتنیت مؤلف متن دوم در نظر ندارد مرجع متن خود یعنی متن اول را پنهان کند. از این منظر نقل قول، گونه ای بینامتنی محسوب می شود.

۲-۲-۲ بینامتنیت غیرصریح و پنهان شده: بیانگر حضور پنهان یک متن در متن دیگر است. به عبارت دیگر این نوع بینامتنیت می کوشد تا مرجع بینامتن خود را پنهان کند. این پنهان کاری به دلیل ضرورت های ادبی نیست بلکه دلایلی فرا ادبی دارد. سرقت ادبی - هنری یکی از مهم ترین انواع بینامتنیت غیرصریح تلقی می شود (نامور مطلق، ۱۳۸۶: ۸۸).

۲-۲-۳ بینامتنیت ضمنی: گاهی نیز مؤلف متن دوم قصد پنهان کاری بینامتن خود را ندارد و به همین دلیل نشانه هایی را به کار می برد که با این نشانه ها می توان بینامتن را تشخیص داد و حتی مرجع آن را نیز شناخت. اما این عمل هیچ گاه به صورت صریح انجام نمی گیرد و به دلایلی و بیشتر به دلایل ادبی به اشارات ضمنی بسنده می شود. مهم ترین اشکال این نوع بینامتن کنایات، اشارات، تلمیحات و ... است (همان: ۸۹).

۳. بررسی و تحلیل نمونه ها

در بخش حاضر به تحلیل داده های مورد پژوهش و بررسی روابط بینامتنی آن ها بر اساس چارچوب نظری ژنت خواهیم پرداخت. داده ها و داستان های مورد تحقیق نیز در چهار گروه سنی بررسی شده اند. سعی پژوهندگان بر آن است تا نشان دهند در همه آثار تألیفی می توان رابطه بینامتنی را یافت و بر همین اساس در انتخاب داستان ها تلاش کرده ایم آنچه تألیف و نگارش نویسنده اثر است انتخاب شود.

البته دلیل انتخاب ۸ عنوان در گروه سنی الف و ب، در هر دو نمونه از انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و هم چنین انتشارات به نشر، این بوده است که چون قصد داشتیم تنها از کتاب های تألیفی استفاده کنیم که نه ترجمه باشد، نه شامل مباحث آموزشی، نه شعر و نه دربرگیرنده هر دو گروه سنی الف و ب، به ناچار به دلیل کمبود منبع به همین تعداد عنوان بسنده کردیم.

بعلاوه در گروه سنی ج و د، داستان های منتخب آثار ایرانی بوده و از آثار ترجمه شده استفاده نکرده ایم و بر آن بوده ایم تا کتاب ها از نظر حجم تقریباً یکسان باشند تا در تحلیل داده ها و مقایسه آن ها به آمار دقیق تر و جامع تری دست یابیم. در مواردی نیز که تعداد صفحات کتاب ها با هم یکسان نبوده به تعداد کلمات موجود در هر صفحه رجوع کرده ایم تا حجم کتاب ها از هر دو نویسنده زن و مرد در هر گروه سنی تقریباً با هم برابر باشد. (تعداد صفحات در گروه سنی (ج) ۲۷۰ صفحه و در گروه سنی (د) ۲۵۰ صفحه می باشد).

در گروه سنی (ج) از دو داستان «ماهی سیاه کوچولو و کچل کفترباز» اثر صمد بهرنگی و داستان «دوغدو، خانم سیلا و غول های مادر بزرگ» اثر فاطمه سرمشقی استفاده کرده ایم. در گروه سنی (د) نیز از داستان «مربای شیرین» اثر هوشنگ مرادی کرمانی و «جشن خاکستر» اثر مریم محمد خانی استفاده کرده ایم.

در انتخاب ژانر داستان ها نیز سعی کرده ایم که، تمامی داستان ها از قالب یکسان برخوردار باشند و بر همین اساس ژانر داستانی را که آمیخته با اندکی تخیل است را برگزیده ایم و از قالب های علمی، طنز و فکاهی یا شعر چشم پوشی شده است.

نکته قابل توجه در این پژوهش این است که در انتخاب موارد بینامتنی از بین کلیه آثار مورد بررسی تلاش نموده ایم تا موارد واضح و آشکار را ذکر کنیم و از بیان دقیق جزئیات هر داستان چشم پوشی کرده ایم.

➤ بررسی و تحلیل نمونه های گروه سنی الف، انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و انتشارات به نشر

• ماجرای احمد و نی نی کوچولو (انتشارات کانون)

✓ بینامتنیت صریح و اعلام شده:

نمونه ۱: بعد از چند ماه، بلاخره یک روز پدر، مادر را به بیمارستان برد. مادر دو روز در بیمارستان ماند. احمد خیلی دلش برای مادرش تنگ شده بود. پدر می گفت: «ناراحت نباش، فردا مامان و نی نی کوچولو را به خانه می آورم.» (توکلی، ۱۳۹۶، ص. ۳).

این داستان تقریباً نیمی از افراد جامعه را شامل می شود؛ هر خانواده ای که قرار باشد کودک جدیدی را به جمع خود اضافه کند، قاعدتاً از این مقوله مستثنا نیست. ورود هر تازه واردی به جمع خانواده، آدابی دارد که در اینجا هم ورود نی نی کوچولو خواسته یا ناخواسته شرایطی را به وجود می آورد که باید هر خانواده ای آن ها را آموزش ببیند. در اینجا هم روش برخورد با کودک بزرگ تر آموزش داده می شود.

نمونه ۲: روزی که نی نی کوچولو را به خانه آوردند، احمد خیلی خوشحال شد. هر چه اسباب بازی داشت، بغل کرد و جلو دويد تا نی نی کوچولو را ببیند و سلام کند (توکلی، ۱۳۹۶، ص. ۴).
دقیقاً رفتار هر کودکی که در بدو ورود نی نی کوچولو از خود نشان می دهد ولی بعد از چند دقیقه که می گذرد و گریه و ناآرامی نی نی کوچولو را می بیند کاملاً دلسرد می شود.

✓ بینامتنیت ضمنی:

در این داستان هیچ گونه موردی که دلیل بر وجود بینامتنیت ضمنی باشد، یافت نشد.

✓ بینامتنیت غیر صریح و پنهان شده:

در این داستان هیچ گونه موردی که دلیل بر وجود بینامتنیت صریح و پنهان شده باشد، یافت نشد. (البته قابل ذکر است که در هیچ کدام از داستانهای انتخابی چه در گروه سنی الف و چه در گروه سنی ب، و هم چنین در هیچ کدام از انتشارات این نوع بینامتنیت یافت نشد. بنابراین از تکرار این مبحث در تمامی نمونه ها چشم پوشی می کنیم.)

• قصه ی دو تا لاک پشت تنها (انتشارات کانون)

✓ بینامتنیت صریح و اعلام شده:

نمونه ۱: روزی بود، روزگاری بود (رحماندوست، ۱۳۹۵، ص. ۸).

مانند عبارت "یکی بود، یکی نبود" می تواند سرآغاز هر داستان شفاهی و مکتوب باشد.

نمونه ۲: آقا لاک پشت تکانی خورد و گفت: «هر چه بادا باد.» (رحماندوست، ۱۳۹۵، ص. ۱۹).

به معنی، دل به دریا زدن و به خدا توکل کردن در انجام کاری.

✓ بینامتنیت ضمنی:

نمونه ۱: یک روز صبح که آقا لاک پشت از خواب بیدار شد، با خودش گفت: «این که نشد زندگی!» حوصله اش از تنهایی سر رفته بود (رحماندوست، ۱۳۹۵، ص. ۱۱).

کنایه از این که زندگی بر وفق مراد نیست.

نمونه ۲: آقا لاک پشت دلش را به دریا زد و آرام آرام سرو دست و پاهایش را از توی لاک بیرون آورد (رحماندوست، ۱۳۹۵، ص. ۲۱).

کنایه از ترس و تردید را کنار گذاشتن، بدون بیم از خطر به کاری پرداختن (کارگزار، ۱۳۹۸: ۱۰۹).

• دنیا را دارد آب می برد (انتشارات به نشر)

✓ بینامتنیت صریح و اعلام شده:

نمونه ۱: یک روز یک خرس خوابش گرفته بود. می‌دانید که خرس‌ها خوابشان چندین ماه طول می‌کشد (خسرو نژاد، ۱۳۸۹، ص. ۷).

اشاره دارد به این موضوع که در زمستان خرس‌ها حدود ۵ تا ۶ ماه به خواب زمستانی می‌روند.
نمونه ۲: پایین می‌یام بالا می‌رم نمیدونی تا کجا می‌رم! (خسرو نژاد، ۱۳۸۹، ص. ۲۰-۲۱).
اشاره به شعر کودک: "یک توپ دارم قلقلیه". می‌تواند این بخش از داستان الهام گرفته از این شعر باشد.
✓ بینامتنیت ضمنی:

نمونه ۱: آی مردم! دنیا را دارد آب می‌برد (خسرو نژاد، ۱۳۸۹، ص. ۳).
می‌تواند این بخش از متن داستان از شعر "آی آدمها، نیما یوشیج" الهام گرفته باشد.
نمونه ۲: وای سرم را خوردی! (خسرو نژاد، ۱۳۸۹، ص. ۱۲).
کنایه از پرحرفی زیاد.

• خورشید توی دل آسمان و خورشید توی دل من (انتشارات به نشر)
✓ بینامتنیت صریح و اعلام شده:

نمونه ۱: غزاله آمد و دست کمند را گرفت و باهم رفتند خرید (خسرو نژاد، خورشید توی آسمان و خورشید توی دل من، ۱۳۸۹، ص. ۴).
اشاره به خاله‌بازی.

نمونه ۲: مادر گفت: «هر وقت اذان بگویند.» (خسرو نژاد، خورشید توی آسمان و خورشید توی دل من، ۱۳۸۹، ص. ۸).
یعنی هر وقت ظهر شود و اذان بگویند آن وقت، موقع ناهار خوردن است.
✓ بینامتنیت ضمنی:

نمونه ۱: غزاله دست پدر را گرفت و کشید: «می‌آیی داستان عمو نوروز را برایم بگویی؟» (خسرو نژاد، خورشید توی آسمان و خورشید توی دل من، ۱۳۸۹، ص. ۶).
عمو نوروز، همچنین شناخته شده بانام بابانوروز، یکی از نمادهای نوروز در فولکلور ایرانیان است که در شب‌های جشن نوروز، برای بچه‌ها هدیه می‌آورد و به همراه حاجی فیروز سفر می‌کند.
از ویژگی‌های عمو نوروز، می‌توان اشاره کرد به زلف و ریش سفید (در برخی بازگفت‌ها، حنا بسته)، کلاه نمدی، کمربند ابریشمی آبی، شال سفید، شلوار کتان و گیوه تخت نازک. او از میان کوه راه می‌افتد و عصابه دست می‌آید به سمت دروازه شهر (<https://fa.wikipedia.org/wiki>).

➤ بررسی و تحلیل نمونه های گروه سنی ب، انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و انتشارات به نشر

• پی تی کو ... پی تی کو (انتشارات کانون)
✓ بینامتنیت صریح و اعلام شده:

نمونه ۱: قاب توی دلش گفت: «برو بابا! تو هم دلت خوش است.» (حسن زاده، پی تی کو...، ۱۳۹۶، ص. ۱۰).
قاب عکس در اینجا آرزو می‌کند که کاش یک نقاشی بامرام به تورش می‌خورد یا حداقل قاب تابلوی سرکار خانم مونالیزا می‌شد. در این حین وقتی کراهاسب می‌بیند که این‌ها جز خیالی بیش نیست، خنده‌ای سر می‌دهد و باعث عصبانیت بیشتر قاب عکس می‌شود.
نمونه ۲: کراهاسب هنوز از خودش می‌گفت: «البته اولش قرار بود تک‌شاخ بشوم.» (حسن زاده، پی تی کو...، ۱۳۹۶، ص. ۱۰).

تک‌شاخ یا یونی کورن نام موجودی اساطیری و افسانه‌ای در فرهنگ ایران، اروپای کهن و قرون وسطی است. باین حال اسب تک‌شاخ در اساطیر دیگر فرهنگ‌ها نیز دیده شده است. تک‌شاخ موجودی افسانه‌ای به شکل اسب با

یک شاخ روی سر است. بر پایه افسانه‌ها، تک‌شاخ‌ها را نمی‌توان به آسانی شکار کرد زیرا بسیار چابک هستند (<https://www.asemooni.com>).

نمونه ۳: فقط یک ضرب‌المثل قدیمی تحویلش داد: «جواب ابلهان خاموشی است.» (حسن‌زاده، پی تی کو... پی تی کو...، ۱۳۹۶، ص. ۱۲).

سکوت بهترین جوابی است که در برابر جاهل و نادان می‌توان از آن استفاده نمود (کارگزار، ۱۳۹۸: ۸۳). منظور از این جمله در این داستان این است که باید در برابر فرد نادان (کراه‌اسب)، خاموش ماند و از گفتن سخن بیهوده پرهیز کرد. نمونه ۴: قاب گفت: «یک مثل معروف است که می‌گوید: شتر در خواب بیند پنبه‌دانه، گهی لپ‌لپ خورد، گه دانه‌دانه.» (حسن‌زاده، پی تی کو... پی تی کو...، ۱۳۹۶، ص. ۱۲).

این ضرب‌المثل در مواقعی به کار می‌رود که ما می‌خواهیم به مخاطب بفهمانیم هرگز به آرزوی خود نخواهد رسید مگر در خواب، همان‌طور که شتر پنبه‌دانه را دوست دارد اما چون در عالم واقع امکان خوردنش را ندارد در خواب باعلاقه و میل آن را می‌خورد. آدمی که آرزوهای دورودراز داشته باشد.

قاب عکس به کنایه در جواب کراه‌اسب می‌گوید که «شتر در خواب بیند پنبه‌دانه» یعنی این‌که تو در این قاب محصور شده‌ای و نمی‌توانی جایی بروی، پس این‌ها همه‌اش خیالات محض است.

✓ بینامتنیت ضمنی:

نمونه ۱: اصلاً چی می‌شد اگر قاب تابلوی سرکار خانم مونا لیزا می‌شدم؟ (حسن‌زاده، پی تی کو... پی تی کو...، ۱۳۹۶، ص. ۱۰).

مونا لیزا که به لبخند ژو کوند نیز شهرت دارد، نام یکی از معروف‌ترین تابلوهای نقاشی لئوناردو داوینچی هنرمند مشهور ایتالیایی است که با رنگ روغن بر روی صفحه چوب سپیدار نقاشی شده است. این نقاشی دارای عناوینی همچون شناخته‌شده‌ترین، پُر بازدیدترین و مقلدترین (مورد تقلید قرار گرفته) اثر جهان می‌باشد که بیشترین مطالب نوشته‌شده مرتبط را نیز شامل می‌گردد (<https://fa.wikipedia.org>).

به همین دلیل قاب عکس تمایل داشت که به جای تصویر این کراه‌اسب چموش، قاب سرکار خانم مونا لیزا می‌شد چون در این صورت می‌توانست مشهور شود.

نمونه ۲: همه را برق می‌گیرد، ما را چراغ‌موشی (حسن‌زاده، پی تی کو... پی تی کو...، ۱۳۹۶، ص. ۱۰).

این ضرب‌المثل یادآور این است که دیگران از بخت و اقبال بهتری برخوردارند تا خود شخص. (کنایه از بداقبالی و راست و ریست نشدن کارهاست.) در اینجا هم قاب شاکی از این است که با چه کسی (کراه‌اسب) همراه شده و مجبور است او را تحمل کند و خود را بدشانس تلقی می‌کند. کنایه از شانس و اقبال دیگران پیش‌تر از ماست.

نمونه ۳: مثل ماست (حسن‌زاده، پی تی کو... پی تی کو...، ۱۳۹۶، ص. ۱۲).

کنایه از سکون قاب که هیچ حرکتی ندارد.

نمونه ۴: اگر می‌توانست با یکی از چوب‌هایش کتک جانانه‌ای به کراه‌اسب بزند، دلش خنک می‌شد (حسن‌زاده، پی تی کو... پی تی کو...، ۱۳۹۶، ص. ۱۲).

از ناراحتی دیگری خوشحال شدن (کارگزار، ۱۳۹۸: ۱۱۰). کنایه از این‌که اگر قاب می‌توانست حساب کراه‌اسب چموش را برسد و او را کتک بزند خوشحال می‌شد.

• شیر پاک و عسل شیرین (کانون)

✓ بینامتنیت صریح و اعلام‌شده:

نمونه ۱: یکی بود و یکی نبود. خدا بود و کسی نبود (پریخ زهره، ۱۳۹۶، ص. ۱۷).

سرآغاز هر داستان شفاهی و مکتوب است.

✓ بینامتنیت ضمنی:

نمونه ۱: یک روز همسر دهقان کوزه‌ای عسل به پسرک داد تا برای مادر بزرگش ببرد (پریخ زهره، ۱۳۹۶، ص. ۱۷).

شاید بخشی از نوشته این داستان با داستان شنل قرمزی هم‌پوشانی داشته باشد. دقیقاً در داستان شنل قرمزی هم مادرش به او سبد غذایی می‌دهد که برای مادر بزرگش ببرد.

شنل قرمزی قصه فولکلوریک اروپایی است درباره دختری کوچک و گرگی که می‌خواهد پس از گول زدن دخترک زودباور، او و مادر بزرگش را بخورد. این قصه اول بار توسط شارل پرو نویسنده فرانسوی در قرن هفدهم نوشته شد. در پایان قصه به روایت پرو گرگ شنل قرمزی و مادر بزرگش را می‌خورد تا درس عبرتی باشد برای کسانی که با ساده‌دلی حرف‌های گرگ را باور می‌کنند.

در قرن نوزدهم برادران گریم قصه را بازنویسی کردند و پایان قصه را با ورود هیزم‌شکن به صحنه و نجات دادن شنل قرمزی و مادر بزرگش از شکم گرگ تغییر دادند. این کتاب، به صورت داستان مصور ارائه شده است. این کتاب را صادق هدایت نیز به صورت مصور و خلاصه بنام لچک قرمزی نگارش کرده است (<https://www.ketabha.org>).

نمونه ۲: شیر سفید و پاک است. عسل هم شیرین است. چطور پسر که شیر سفید و پاک و عسل شیرین خورده است دروغ می‌گوید (پریخ زهره، ۱۳۹۶، ص. ۲۳).

این قسمت از نوشته این داستان گویا تلمیح دارد با ضرب‌المثلی ایرانی که می‌گوید: «شیرپاک خورده». کنایه از فرد درستکار و مورد اعتماد (کارگزار، ۱۳۹۸: ۱۳۴).

• روباه و چوپان آوازه خوان (انتشارات به نشر)

✓ بینامتنیت صریح و اعلام شده.

نمونه ۱: چوپان با خود زمزمه کرد: «یک بار جستی ملخک، دو بار جستی ملخک، بار سوم توی دستی ملخک.» (ناصری، روباه و چوپان آوازه‌خوان، ۱۳۹۲، ص. ۱۵).

تذکر و نصیحت به کسی که کار خطرناک و اشتباهی را چندین بار تکرار نموده و از آن رهیده باشد و هشدار به اینکه بالاخره گیر می‌افتد.

✓ بینامتنیت ضمنی:

نمونه ۱: کار از کار گذشته بود (ناصری، روباه و چوپان آوازه‌خوان، ۱۳۹۲، ص. ۶).
کنایه از دیر شدن، از دست رفتن فرصت (کارگزار، ۱۳۹۸: ۱۵۰).

• اون شب که بارون اومد، موشه لب بوم اومد!

✓ بینامتنیت صریح و اعلام شده:

نمونه ۱: نه یکی، نه دو تا نه سه تا!... پس چند تا؟! (خسرو نژاد، اون شب که بارون اومد، موشه لب بوم اومد، ۱۳۹۴، ص. ۴). می‌تواند با بازی "یه مرغ دارم، روزی یه تخم میداره" در ارتباط باشد.

بازی یک مرغ دارم، یک بازی زبانی است که به تمرکز و دقت کودکان کمک می‌کند (<https://ketabak.org>).

✓ بینامتنیت ضمنی:

نمونه ۱: یک شب باران آمد. چه بارانی! جر جر! هم روی پشت‌بام ما، هم روی پشت‌بام شما و هم روی پشت‌بام هاجر (خسرو نژاد، اون شب که بارون اومد، موشه لب بوم اومد، ۱۳۹۴، ص. ۳).

تداعی‌کننده شعر "بارون میاد جر جر روی پشت بوم هاجر".

نمونه ۲: سوراخ‌ها بسته نشد اما آقاموشه خیس خیس شد. شد موش آب‌کشیده (خسرو نژاد، اون شب که بارون اومد، موشه لب بوم اومد، ۱۳۹۴، ص. ۷). کسی که خیلی خیس شده و یا از آب و گل ولای بیرون آمده باشد.

➤ بررسی و تحلیل نمونه های گروه سنی ج و د

• ماهی سیاه کوچولو

✓ بینامتنیت صریح و اعلام شده

شب چله، ذکر این عنوان دارای بینامتنیت صریح و اعلام شده با فرهنگ ایرانی بوده که از جمله رسومات معروف و مرسوم بین ایرانیان می‌باشد و در متن داستان مستقیماً به آن اشاره شده است (دهخدا، ۱۳۴۱: ۹۵۸، ج، ۸).
شب چله بود. ته دریا ماهی پیر دوازده هزار تا از بچه‌ها و نوه‌هایش را دور خودش جمع کرده بود (بهرنگی، ۱۳۸۵: ۹).

یکی بود، یکی نبود. این عبارت دارای بینامتنیت صریح و اعلام شده با کلیه داستان‌هایی که با این عنوان آغاز شده‌اند. یکی بود، یکی نبود. یک ماهی سیاه کوچولو بود (بهرنگی، ۱۳۸۵: ۹).
ماهی پیر گفت: «آن هم بماند برای فردا شب. حالا وقت خواب است، شب به خیر!» (بهرنگی، ۱۳۸۵: ۴۸).

✓ بینامتنیت غیر صریح

از آن‌جایی که، بینامتنیت غیر صریح نوعی سرقت ادبی - هنری محسوب می‌شود، در هیچ یک از آثار مورد بررسی در گروه سنی ج و د سرقت ادبی را نیافته‌ایم. به همین دلیل از بیان این مورد در ادامه مطالب چشم‌پوشی کرده‌ایم.

✓ بینامتنیت ضمنی

در داستان فوق به مجموع ۴۱ مورد رابطه بینامتنی ضمنی دست یافتیم که به شرح نمونه‌هایی از آن خواهیم پرداخت.

✓ تکامل و شناخت واقعی

هدف ماهی سیاه کوچولوی، قهرمان داستان رسیدن به آگاهی و شناخت از دنیا است نکته‌ای که بقیه موجودات دریا از آن غافل هستند و به یکنواختی و روزمرگی زندگی شان عادت کرده‌اند. از این منظر بیشترین شباهت را ماهی سیاه کوچولو به داستان جانانان مرغ دریایی دارد که جانانان قهرمان داستان درست مانند ماهی سیاه کوچولو دنبال کشف دنیای ماورایی و در پی رسیدن به شناخت حقیقی می‌باشد.

شخصیت سانتیاگو در داستان کیمیاگر برای کشف حقیقت و دنیای تازه راهی سفر می‌شود. تا به آن‌چه، آگاهی و تکامل واقعی است دست یابد.

(ماهی سیاه کوچولو گفت: نه مادر من دیگر از این گردش‌ها خسته شده‌ام، می‌خواهم راه بیفتم و بروم بینم جاهای دیگر چه خبرهایی هست) (بهرنگی، ۱۳۸۵: ۱۳).

(شبی که به دیدار خانواده‌اش رفته بود شهادت خود را یک‌جا جمع کرد و به پدرش گفت: نمی‌خواهد کشیش شود می‌خواست سفر کند) (پائولو کوئیلو، ۱۳۷۶: ۱۳).

✓ کنایات

از آن‌جایی که، کنایه نیز نوعی بینامتنی ضمنی محسوب می‌شود در زیر به ذکر برخی از کنایات به کار رفته در داستان ماهی سیاه کوچولو خواهیم پرداخت و در هر مورد تعریف مختصر و کوتاهی را نیز در نظر گرفته‌ایم.

- این بچه یکی یک دانه بود (بهرنگی، ۱۳۸۵: ۹).

یکی یک دانه بودن، اشاره به فرزند عزیز دارد (ثروت، ۱۳۷۵: ۲۰۴).

- حسرت به دلش مانده بود (بهرنگی، ۱۳۸۵: ۹).

این عبارت کنایه از آرزو به دل شدن یا محرومیت از امید داشتن، می‌باشد (شهری، ۱۳۸۱: ۳۱).

- به سرت زده بابا (بهرنگی، ۱۳۸۵: ۲۳).

این عبارت را می‌توان مانند، پارسنگ برداشتن عقل کسی دانست، که به معنای دیوانه‌گون بودن فردی است (ثروت، ۱۳۷۵: ۸۵).

- بچه گیر آوردی و حرف‌های گنده می‌زنی (بهرنگی، ۱۳۸۵: ۲۴).

این عبارت کنایه از مخاطب خود را احمق پنداشتن است (نجفی، ۱۳۷۸: ۱۳۳، ج، ۱).

- می‌بخشی که حرف، حرف می‌آورد (بهرنگی، ۱۳۸۵: ۳۰).

این عبارت کنایه از دنباله‌دار شدن بحث و مشاجره است (خدیش، ۱۳۸۶: ۱۹۵).

- مرد ماهی‌گیر را به تنگ آورده‌اند (بهرنگی، ۱۳۸۵: ۳۰).

این عبارت کنایه از به جان آمدن و بی طاقت شدن است (جمالزاده، ۱۳۸۲: ۱۶۸).

• داستان کچل کفتر باز

✓ بینامتنیت صریح و اعلام شده

در این داستان مجموعاً سه نوع رابطه بینامتنی صریح را یافته ایم که در زیر به ذکر آن‌ها می‌پردازیم.

- عبارت در زمان‌های قدیم، دارای بینامتنیت صریح و اعلام شده با کلیه‌ی داستان‌هایی می‌باشد که با

این عنوان آغاز شده‌اند.

در زمان‌های قدیم کچلی با ننه پیرش زندگی می‌کرد (بهرنگی ۱۳۸۵: ۱۵).

- عبارت هزار و یک فن دانستن، اشاره بر توانا و ماهر بودن فردی دارد.

کنیز گفت: خانم کچل‌ها هزار و یک فن بلدند. شب منتظرش می‌شویم، حتماً می‌آید (بهرنگی، ۱۳۸۵: ۲۸).

فقط خودش می‌دانست که از قدیم گفته‌اند: کچل‌ها هزار و یک فن بلدند (کوراوغلو و کچل حمزه، ۱۳۸۴: ۲۹).

حمزه گفت: پاشا خودت می‌دانی، کچل‌ها همه فن حریف می‌شوند (همان: ۳۱).

- قصه ما به سر رسید، این عبارت دارای بینامتنیت صریح و اعلام شده با کلیه‌ی داستان‌هایی می‌باشد

که با این عنوان خاتمه یافته‌اند.

همه قصه‌گوها می‌گویند که «قصه ما به سر رسید»، اما من یقین دارم که قصه ما هنوز به سر نرسیده است (بهرنگی،

۱۳۸۵: ۴۴).

✓ بینامتنیت ضمنی

در داستان فوق به مجموع ۲۹ مورد رابطه بینامتنی ضمنی دست یافتیم که به شرح نمونه‌هایی خواهیم پرداخت.

ازدواج کچل با دختر پادشاه

در داستان کچل کفتر باز آن‌چه بیش از همه به چشم می‌خورد ازدواج کچل با دختر پادشاه است.

(اما راستش کچل هم عاشق بی قرار دختر پادشاه بود...) (بهرنگی، ۱۳۸۵: ۱۶).

حسن کچل و دختر پادشاه عنوان داستانی کودکانه است که ازدواج کچل در این قصه بی‌شبهت به کچل کفتر باز نیست. در این داستان حسن کچل، جوانی است که به همه اهالی ده کمک می‌کند و باعث سرگرمی و خنده آن‌ها نیز می‌شود. روزی حسن کچل در کارگاهی مشغول به کار بود که باعث به وجود آمدن صحنه‌ی طنزی می‌شود. دختر پادشاه نیز که سال‌هاست، از غمی زیاد رنج می‌برد با دیدن این صحنه بهبود پیدا می‌کند و بار دیگر می‌خندد. پادشاه نیز با ازدواج دخترش و حسن کچل موافقت می‌کند (اشترانی، ۱۳۷۹).

خوش‌شانسی کچل‌ها

در داستان کچل کفتر باز زنده شدن دوباره کبوترها، کلاه سحرآمیز و ازدواج او با دختر پادشاه نمونه‌هایی از

خوش‌شانسی کچل است.

کچل خارکن و تنگ‌دستی بود که روزی در بیابان بچه‌ماری را نجات می‌دهد. شاه ماران در عوض نجات بچه‌اش

به او یک سفره و ترکه هدیه می‌دهد که متعلق به حضرت سلیمان بود و کچل هر موقع اراده می‌کرد با باز کردن سفره

غذا برایش مهیا می‌شد. (انجوی شیرازی، ۱۳۵۹: ۳۵۶).

❖ گرفتن حق مظلومان و تنبیه ثروتمندان و ظالمان

در داستان کچل کفتر باز کچل جوانی ساده و مهربان است که قصد کمک به فقرا و تهی‌دستان را دارد و به همین

منظور اموال زورگویان و ثروتمندان را بین فقرا تقسیم می‌کند.

(شب که همه خوابیده بودند، گاو صندوق را باز کرد و تا آنجا که، می‌توانست از پول‌های حاجی برداشت و بیرون آمد. به خانه چند پول‌دار دیگر هم دستبرد زد و نصف شب گذشته به طرف خانه راه افتاد. کمی پول برای خودشان برداشت و باقی را سر راه به خانه‌های فقیر داد) (بهرنگی، ۱۳۸۵: ۲۳).

به حتم، انیمیشن معروف رابین‌هود و کمک قهرمان داستان به فقرا با داستان مورد پژوهش بینامتنیتی ضمنی دارد. رابین‌هود سربازی است که از دادن مالیات سنگین سرپیچی می‌کند و نماد حق طلبی است. پس از آن‌که شاه ریچارد رهسپار جنگ می‌شود، برادرش، جان تخت شاهی را غضب کرده و مالیات‌های سنگینی را بر مردم مقرر می‌کند. رابین‌هود که تیراندازی ماهر است با دوستانش به جنگ‌های شرورد پناه می‌برند و به همراه دوستانش دارایی ثروتمندان را می‌دزد و بین فقرا تقسیم می‌کند و پس از بازگشت شاه ریچارد در باز گرفتن قدرت و برکناری جان به او کمک می‌کند (گیلبرت، ۱۳۸۶: انگلیس).

✓ کنایات

از آنجایی‌که، کنایه نیز نوعی بینامتنی ضمنی محسوب می‌شود در زیر به ذکر برخی از کنایات به کار رفته در داستان کچل کفتر باز خواهیم پرداخت و در هر مورد تعریف مختصر و کوتاهی را نیز در نظر گرفته‌ایم.

- این جوری نان زندگی‌شان را در می‌آورند (بهرنگی، ۱۳۸۵: ۱۶).

اشاره به تامین مخارج زندگی و کسب درآمد دارد. درآمد آن چیزی است که در ماه، سال یا روز عاید شخص می‌شود (جمالزاده، ۱۳۸۲: ۲۳۸).

- تمام بدنش را آتش و لاش کردند (بهرنگی، ۱۳۸۵: ۱۸).

این عبارت نیز کنایه از متلاشی و ویران کردن دارد (نجفی، ۱۳۷۸: ۳۱، ج، ۱).

- تکه بزرگت گوشت خواهد بود (بهرنگی، ۱۳۸۵: ۲۸).

این عبارت کنایه از تهدید سفت و سخت می‌باشد (آذرلی، ۱۳۷۳: ۸۵).

- دلم شور می‌زند (بهرنگی، ۱۳۸۵: ۳۱).

این عنوان کنایه از نگران بودن و مضطرب بودن، است (جمالزاده، ۱۳۸۲: ۲۵۲).

- گورت را از این جا گم کن (بهرنگی، ۱۳۸۵: ۳۸).

این عنوان کنایه از برای همیشه شر خود را از سر مردم کم کردن است (آذرلی، ۱۳۷۳: ۳۲۶).

- عشقش کشیده بود (بهرنگی، ۱۳۸۵: ۳۳).

عبارت فوق کنایه از، دلش خواستن است (نجفی، ۱۳۷۸: ۱۰۲۱، ج، ۲).

- کچل تو هچل افتاد (بهرنگی، ۱۳۸۵: ۳۶).

کنایه از، سخت به مخمصه افتادن، است (نجفی، ۱۳۷۸: ۱۲۷۳، ج، ۲).

- اگر وزیر بیاید پای ما را هم به میان خواهد کشید (بهرنگی، ۱۳۸۵: ۳۶).

عبارت پای کسی را به میان کشیدن کنایه از دخالت داشتن کسی در موضوعی است (خدیش، ۱۳۸۶: ۱۴۳).

• داستان دوغدو، خانم سیلا و غول‌های مادر بزرگ

✓ بینامتنیت صریح و اعلام شده

عنوان‌ها

- باز فیلت یاد هندوستان کرد، این ضرب‌المثل اشاره به یادآوری ایام خوش گذشته و آرزوی بازگشت به آن است. هم‌چنین، اشاره به گذشت سریع زمان و زندگی کوتاه انسان را بازگو می‌کند (آذرلی، ۱۳۷۳: ۲۷).

مادر گفت: «باز فیلت یاد هندوستان کرد؟ توی این قصه که اصلاً سیمرغ نداریم» (سرمشقی، ۱۳۹۷: ۱۲۱).

- آخ جان عروسی، این عبارت تکه کلامی دال بر خشنودی بسیار یا تایید و تحسین می‌باشد (نجفی، ۱۳۷۸: ۲۱، ج، ۱).

نره غول و جن حمام شروع می‌کنند به دست زدن و رقصیدن نره غول می‌گوید: «آخ جان، عروسی» (سرمشقی، ۱۳۹۷: ۶۸).

✓ بینامتنیت ضمنی

در داستان مورد پژوهش بیشترین موارد بینامتنی ضمنی را با داستان‌ها و قهرمانان شاهنامه یافتیم. کلاغ که می‌پرد از شانه مرد دو مار در می‌آید که هر لحظه بزرگ‌تر می‌شوند (سرمشقی، ۱۳۹۷: ۷۸)

بفرمود تا دیو چون جفت او
همی بوسه زد بر کتف او
چو بوسید شد در زمین ناپدید
کس اندر جهان این شگفتی ندید
دو مار سیه از دو کتفش برست
غمی گشت از هر سوی چاره جست
(فردوسی، ۱۳۸۶: ۱۳)

نره غول دستی به سیبیل‌هایش می‌کشد و می‌گوید این مارها گرسنه‌اند، غذای‌شان مغز مردان جوان است (سرمشقی، ۱۳۹۷: ۸۱).

خورش ساز و آرامشان ده بخور
نشاید جز این نیز چاره کرد
بجز مغز مردم مده‌شان خورش
مگر خود بمیرند از این پرورش
به خواب پادشاه سوم که می‌رسد، ازدها از خواب بیدار می‌شود (سرمشقی، ۱۳۹۷: ۱۴۰).

در خوان سوم رستم به جنگ با ازدها می‌رود.
نگفتم که امشب بمن برشتاب
سوم ره بخواب اندر آمد سرش
ز ببر بیابان داشت پوشش برش
همی باش تا من بجنبم ز خواب
(فردوسی، ۱۳۸۶: ۹۸)

– تمام موی تنش سیخ می‌شود (سرمشقی، ۱۳۹۷: ۸).

عبارت مو به تن کسی راست شدن، کنایه از ترس شدید دارد (نجفی، ۱۳۷۸: ۱۳۶۹، ج، ۲).

– از غصه سروته می‌شود (سرمشقی، ۱۳۹۷: ۱۱).

این عبارت کنایه از شدت غم و غصه فراوان دارد. سر و ته، اشاره به مجموع یا کل چیزی دارد (نجفی، ۱۳۷۸: ۹۰۴، ج، ۲).
دهمین همایش ملی پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی – دی ۱۳۹۹

– شیطان به جلدش رفته (سرمشقی، ۱۳۹۷: ۳۶).

این عبارت کنایه از به شکل کسی یا چیزی درآمدن است (ثروت، ۱۳۷۵: ۷۰).

• داستان مربای شیرین

✓ بینامتنیت صریح و اعلام شده

– عبارت قدمشان سر چشم، اشاره به نوعی تعارف و خوش‌آمدگویی به مهمان را دارد. عبارتی کنایی و کم‌وبیش تملق‌آمیز دال بر دیدار کسی می‌باشد (نجفی، ۱۳۷۸: ۱۰۸۱، ج، ۲).

قدمشان سر چشم، بمانند، یک سال بمانند (مردای کرمانی، ۱۳۹۶: ۷۱).

– ببخشید که پشتم به شماست، اشاره به نوعی تعارف و احترام است.

بعد رو کرد به جلال و مادرش و گفت: «ببخشید که پشتم به شماست» (مردای کرمانی، ۱۳۹۶: ۸۷).

✓ بینامتنیت ضمنی

فضای کلی داستان به نقش افراد در اجتماع و مسوئیت مشاغل در درست ایفا کردن وظیفه‌شان در جامعه اشاره دارد. از طرفی به نوجوانان در دفاع از حقوق شهروندی خود نیز آگاهی می‌دهد.

شایعه پراکنی

در داستان شاهد آن هستیم که عدم اطلاع صحیح افراد باعث به وجود آمدن شایعات بسیاری می‌شود. به حتم، فضای

آشفته‌ای که نویسنده در صدد توصیف آن در داستان است بی‌شبهت به ضرب‌المثل معروف ایرانی یک کلاغ، چهل کلاغ نیست.

مواد سمی تو شیشه‌ها بوده... یک جور آلودگی کارخانه‌ای. میکروب تو شیشه‌ها بوده. دارند جمع‌شان می‌کنند. تا حالا چند نفر سر خوردن مربا مردند (مردای کرمانی، ۱۳۹۶: ۳۴).

دارند مرباها را جمع می‌کنند، می‌خواهند گران‌شان کنند..... می‌گفتند: توی فلز در شیشه‌هایش طلا قاتی شده اگر، آب‌شان کنیم می‌توانیم ازشان طلا در بیاوریم (مردای کرمانی، ۱۳۹۶: ۵۲).

- دستهایش به گرمی و سردی عادت داشت، پوستشان کلفت شده بود (مردای کرمانی، ۱۳۹۶: ۸).

پوستشان کلفت شده بود، این عبارت کنایه از مقاوم در برابر سختی‌ها و ناملايمات است (نجفی، ۱۳۷۸: ۲۶۶، ج، ۱).

- باد انداخت تو غبغبش (مردای کرمانی، ۱۳۹۶: ۱۲).

کنایه از به خود مغرور بودن است (آذرلی، ۱۳۷۳: ۵۸).

- بچه‌ها برایش کف زدند (مردای کرمانی، ۱۳۹۶: ۱۲).

این عبارت کنایه از تشویق کردن، می‌باشد یا در لغت به معنای دو کف دست خود را بر هم کوبیدن است (نجفی، ۱۳۷۸: ۱۱۶۰، ج، ۲).

- لب و لوچه‌اش را کشید تو هم (مردای کرمانی، ۱۳۹۶: ۱۳).

کنایه از اخم کردن، بوده و لب و لوچه به همان معنای لب و دهان است (جمالزاده، ۱۳۸۲: ۳۶۹).

- با دست افتاد به جان شیشه (مردای کرمانی، ۱۳۹۶: ۱۳).

عبارت به جان چیزی افتادن، کنایه از، به شدت و با تمام نیرو به کاری پرداختن، است. (نجفی، ۱۳۷۸: ۳۶۷، ج، ۱).

- مادر چپ چپ نگاهش کرد (مردای کرمانی، ۱۳۹۶: ۸۴).

این عبارت کنایه از با تلخی و خشم به کسی نگاه کردن، می‌باشد (جمالزاده، ۱۳۸۲: ۱۹۱).

- دل به کار نمی‌دهند (مردای کرمانی، ۱۳۹۶: ۸۶).

عبارت دست و دل کاری را نداشتن کنایه از بی‌حوصله بودن برای انجام کاری است (خدیش، ۱۳۸۶: ۲۲۷).

دهمین همایش ملی پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی - دی ۱۳۹۹

بینامتنیت صریح و اعلام شده

به‌به، باد آمد و بوی عنبر آورد. فقط این چه وقت آمدنه، اکبری؟ (محمد خانی، ۱۳۹۰: ۸)

باد آمد و بوی عنبر آورد بادام شکوفه بر سر آورد

شاخ گل از اظطراب بلبل با آن همه خار بر سر آورد (سعدی)

سلام دخترم، خسته نباشی. ماه‌نگار هاج و واج مانده بود (محمد خانی، ۱۳۹۰: ۲۲).

- خسته نباشی، عبارتی تعارف‌آمیز به فردی که مشغول کاری باشد برای تشویق او به ادامه کارش، است (نجفی،

۱۳۷۸: ۵۵۰، ج، ۱).

حالا ماه‌نگار یک آدرس نصفه و نیمه داشت که بهتر از هیچی بود (محمد خانی، ۱۳۹۰: ۱۱۳).

- «کاجی بعضی هیچی». کم بودن بهتر از نبودن است (آذرلی، ۱۳۷۵: ۲۸۹).

بینامتنیت ضمنی

❖ غلبه بر ترس وجودی

ناگهان صدایی از اتاق بلند شد، صدایی شبیه گریه نوزاد... صدای گریه بلندتر شد، اما دودی که از زیر در بیرون می‌زد،

کمتر شده بود... ماه‌نگار همین‌جوری نشست پشت در، نمی‌دانست چه کار کند. اما این‌جوری که نمی‌شد، به هر حال

باید می‌فهمید توی آن اتاق چه خبر است (محمد خانی، ۱۳۹۰: ۶۶).

شیرین از جلوی اتاق مخصوص رد شد، بعد انگار که برق گرفته باشدش یک قدم به عقب برداشت و جلوی در ایستاد... آرام کلید را توی قفل چرخاند... دل توی دلش نبود. فکر کرد نکند یکهو چیزی از لای در بپرد رویش؟ نکند با چیز ترسناکی روبه‌رو شود؟ (کلهر، ۱۳۹۲: ۵۵).

اشاره به موجودی غیر انسان و ظاهر انسانی

این همون حقیقتی که می‌خواستی بدونی. تو، هم مثل منی، مثل من و مادر و مادربزرگم... شاید اگر اون دخترها را نمی‌دیدى راه خلاصی بود، اما... ماه‌نگار تو هم هفت تا جون داری... (محمد خانی، ۱۳۹۰: ۱۵۱).
سرم دارد گیج می‌رود و نمی‌توانم باور کنم که مادرم پری دریایی بوده است (کلهر، ۱۳۹۳: ۳۹).
دوران زندگی غیر عادی

وقتی ساکت بود شبیه بقیه نوزادها بود. اما، وقتی شروع به حرف زدن می‌کرد، ماه‌نگار می‌ترسید. انگار یک نفر یک جایی پنهان شده بود و صدایش را روی لب‌های یک نوزاد گذاشته بود (محمد خانی، ۱۳۹۰: ۱۴۰).
« آن‌گاه که تو را به روح القدس تأیید کردم که در گهواره و در میان‌سالی با مردم سخن می‌گفتی » (قرآن کریم، سوره مائده، آیه ۱۱۰).

« و در گهواره و در میان‌سالی با مردم سخن می‌گوید و از شایستگان است » (قرآن کریم، سوره آل‌عمران، ۴۶).

- دید در بسته است غرولند کرد (محمد خانی، ۱۳۹۰: ۷).

این عنوان کنایه از زیر لب شکوه و شکایت کردن، است (جمالزاده، ۱۳۸۲: ۳۹۵).

- اجازه ما هم دست شماست (محمد خانی، ۱۳۹۰: ۹).

این عنوان کنایه از کسب اجازه از کسی بوده و نوعی تعارف محسوب می‌شود.

- ماه‌نگار منفجر شد (محمد خانی، ۱۳۹۰: ۴۷).

این عنوان کنایه از عصبانی شدن و برآشفته شدن، می‌باشد (https://dictionary.abadis.ir).

- بعداً حسابت را می‌رسم (محمد خانی، ۱۳۹۰: ۶۱).

این عبارت را می‌توان معادل حق کسی را کف دستش گذاشتن دانست که کنایه از تلافی کردن، است (آذرلی، ۱۳۷۷: ۱۲۱).

- دلم شور می‌زنه (محمد خانی، ۱۳۹۰: ۹۸).

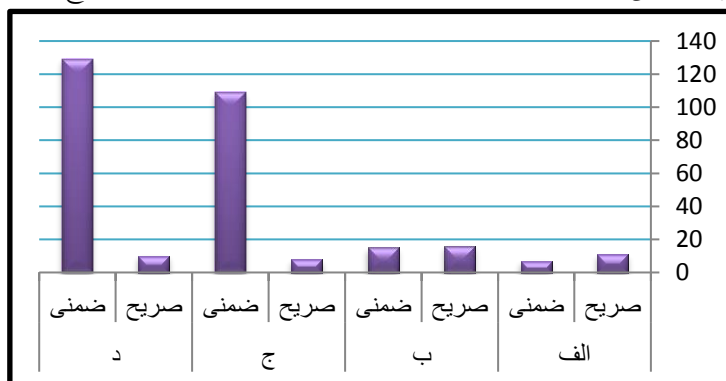
این عنوان کنایه از نگران بودن و مضطرب بودن، است (جمالزاده، ۱۳۸۲: ۲۵۲).

- وقتی دید وسط ابروهای ماه‌نگار چین خورده (محمد خانی، ۱۳۹۰: ۱۴۹).

این عبارت کنایه از گره یا چین به ابرو انداختن دارد (خدیش، ۱۳۸۱: ۲۴۹).

- الکی خودت را می‌اندازی تو دردرس که چی (محمد خانی، ۱۳۹۰: ۱۵۴).

عبارت خود را به دردرس انداختن کنایه از، زحمت و دشواری است (نجفی، ۱۳۷۸: ۶۲۲، ج، ۱).



نمودار شماره ۱: بسامد بینامتنیت صریح و ضمنی به تفکیک گروه سنی

۴. نتیجه گیری:

با استناد به نتایج به دست آمده از تحلیل داده‌ها در هر چهار گروه سنی به بررسی و مقایسه داده‌ها با یکدیگر می‌پردازیم. با توجه به بررسی‌های انجام شده بر اساس بینامتنیت ژنتی بر روی دو نمونه از انتشارات در حوزه کودک در گروه های سنی الف و ب، می‌توان عنوان کرد که میزان بینامتنیت صریح و اعلام شده به نسبت بینامتنیت ضمنی از تعدد بیشتری در هر دو گروه سنی و هر دو نمونه از انتشارات برخوردار می‌باشد. بر اساس تعریف بینامتنیت صریح - بیانگر حضور آشکار یک متن در متن دیگر - می‌توان عنوان کرد که شاید ساده بودن مطالب کتاب‌های داستان در دو گروه سنی الف و ب، خود دلیلی بر وجود بیشتر بینامتنیت صریح دارد.

همان‌گونه که اشاره شد میزان کاربرد بینامتنیت ضمنی در گروه سنی الف و ب کم‌تر از بینامتنیت صریح می‌باشد شاید این‌که بدیهیات جز چیزهایی باشد که کودک به راحتی می‌تواند آن‌ها را دریابد و درک کند. با این اوصاف می‌توان گفت که بینامتنیت ضمنی - گاهی نیز مؤلف متن دوم قصد پنهان‌کاری بینامتن خود را ندارد و به همین دلیل نشانه‌هایی را به کار می‌برد که با این نشانه‌ها می‌توان بینامتن را تشخیص داد و حتی مرجع آن را نیز شناخت - نیز به دلیل اشاره نکردن مستقیم به موارد خاص و به دلیل به کار بردن نشانه‌هایی که به صورت صریح در متن نیامده‌اند و استفاده از اشارات، کنایات و همچنین تلمیحات و ... به دلایل ادبی، از میزان کاربرد کمتری نسبت به بینامتنیت صریح در گروه سنی الف و ب برخوردار است.

در واکاوی روابط بینامتنی در دو گروه سنی ج و د نیز به نتایج زیر دست یافته‌ایم:

در پژوهش انجام شده، در گروه سنی (ج) از سه اثر در حوزه ادبیات نوجوان بهره گرفتیم که، در مجموع ۱۲۷ مورد را به عنوان روابط بینامتنی ذکر کردیم. اکثر این موارد دارای رابطه‌ای از نوع ضمنی بوده و بیشترین کاربرد موارد بینامتنیت ضمنی در ارتباط با کنایات به کار رفته در هر داستان و در مجموع گروه سنی (ج) بوده است.

در بررسی این روابط در گروه سنی (د) نیز همانند گروه سنی (ج) عمل کرده‌ایم و با بررسی دو اثر در این حوزه به مجموع ۱۳۹ مورد روابط بینامتنی دست یافتیم. در این گروه سنی نیز کاربرد روابط بینامتنی ضمنی بیش از سایر روابط بود. همچنین، وجود کنایات در روابط بینامتنی ضمنی دلیلی بر بالا بودن آمار این مورد نسبت به دو رابطه‌ی دیگر محسوب می‌شود.

نکته قابل توجه آن‌که، هر چه گروه سنی بالاتر می‌رود، نسبت کاربرد بینامتنیت ضمنی به صریح بیشتر می‌شود. شاید دلیل این امر این است که با توجه به بالاتر رفتن سن کودک، میزان درک او از کنایات، اشارات و همچنین تلمیحات بیشتر می‌شود. به این عنوان که ابتدا نیاز است تا کودک درک صحیحی از دنیای خارج داشته باشد تا بتواند با ارتباط دادن آن‌ها با یکدیگر منظور و هدف هر کدام از اشارات غیرصریح در متن را دریابد.

منابع

- قرآن کریم الهه قمشاهی، چاپ هفتم، قم: انتشارات فاطمه‌الزهرا، ۱۳۸۱.
- آلن، گراهام؛ *بینامتنیت*؛ ترجمه پیام یزدانجو، تهران: مرکز، ۱۳۸۰.
- آلن، گراهام؛ *بینامتنیت*؛ پیام یزدانجو، تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۵.
- آذرلی، غلامرضا؛ *ضرب‌المثل‌های مشهور فارسی*؛ چاپ پنجم، تهران: ارغوان، چاپ رخ، ۱۳۷۳.
- ابراهیمی، جعفر؛ *تازه‌هایی از ادبیات کهن برای نوجوانان، قصه‌های شیرین گلستان سعدی*؛ تهران: نشر پیدایش، ۱۳۹۱.
- احمدی، بابک؛ *ساختار و تاویل متن*، تهران: مرکز، ۱۳۷۵.
- اشترانی، هوشنگ؛ *حسن کچل و دختر پادشاه*؛ چاپ دهم، تهران: مفاهیم‌پژوه، ۱۳۷۹.
- انجوی شیرازی، ابولقاسم؛ *قصه‌های ایرانی، گل به صنوبر چه کرد*، جلد اول، تهران: چاپخانه سپهر، ۱۳۵۹.
- ایرنایما، مکاریک؛ *دانش نامه نظریه های ادبی معاصر*؛ ترجمه مهران مهاجر و محمد نبوی، تهران: آگه، ۱۳۸۴.

- بهرنگی، صمد؛ *کوراوغلو و کچل حمزه*؛ تهران: جامه دران، ۱۳۴۸.
- ماهی سیاه کوچولو؛ تهران: جامه دران، ۱۳۸۵.
- *کچل کفتر باز*؛ تهران: جامه دران، ۱۳۸۵.
- پائولو، کوئیلو؛ *کیمیایگر*؛ ترجمه دل‌آرا قهرمان، تهران: سهند، ۱۳۷۶.
- پریخ، زهره؛ *شیر پاک و عسل شیرین*؛ چاپ ششم، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۹۶.
- توکلی، نیره؛ *ماجرای احمد و نی‌نی کوچولو*؛ چاپ دوم، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۹۶.
- ثروت، منصور؛ *فرهنگ کنایات*؛ چاپ دوم، تهران: سخن، چاپخانه مهارت، ۱۳۷۵.
- جمالزاده، محمدعلی؛ *فرهنگ لغات عامیانه*؛ چاپ دوم، تهران: سخن، ۱۳۸۲.
- جی کی، رولینگ؛ *جاروی پرنده، مجموعه هری پاتر*؛ ترجمه صدیف آقاپور، تهران: آقاپور، ۱۳۸۲.
- جلالی، مریم؛ «مبانی نقد بینامتنیت در ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان»؛ جستارهای ادبی، ۱۳۹۴.
- حکیمی، محمود؛ *سخنی درباره ادبیات کودکان و نوجوانان*؛ تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۵.
- حسن‌زاده، فرهاد؛ *پی تی کو... پی تی کو...*؛ چاپ چهارم، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۹۶.
- خسرونژاد، مرتضی؛ *دنیا را دارد آب می‌برد*؛ چاپ دوم، مشهد: به‌نشر، ۱۳۸۹.
- خسرونژاد، مرتضی؛ *خورشید توی آسمان و خورشید توی دل من*؛ چاپ دوم، مشهد: به‌نشر، ۱۳۸۹.
- خدیش، حسین؛ *مثل‌ها، کنایه‌ها، اصطلاحات و شاعران*؛ چاپ اول، شیراز: انتشارات نوید، ۱۳۸۶.
- خسرونژاد، مرتضی؛ *اون شب که بارون اومد، موش لب بوم اومد*؛ چاپ دوم، مشهد: به‌نشر، ۱۳۹۴.
- دهخدا، علی‌اکبر؛ *لغت‌نامه دهخدا*؛ چاپ دوازدهم از دوره جدید، تهران: انتشارات روزنه، موسسه و انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
- رحماندوست، مصطفی؛ *قصه‌ی دو تا لاک‌پشت تنها*؛ چاپ سوم، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۹۵.
- سرمشقی، فاطمه؛ *دوغدو، خانم سیلا و غول‌های مادر بزرگ*؛ تهران: هوپا، ۱۳۹۷.
- شهری، جعفر؛ *قند و نمک، ضرب‌المثل‌های تهرانی به زبان محاوره*؛ چاپ چهارم، تهران: انتشارات معین، ۱۳۸۱.
- فردوسی، ابوالقاسم؛ *متن کامل شاهنامه فردوسی، به تصحیح ژول مول*؛ چاپ دهم، تهران: انتشارات بهزاد، ۱۳۸۶.
- قزل‌یاغ، ثریا؛ *ادبیات کودکان و نوجوانان و ترویج خواندن*؛ تهران: سمت، ۱۳۸۶.
- کلهر، فریبا؛ *بازگشت هرداد*؛ تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۹۱.
- محمد خانی، مریم؛ *جشن خاکستر*؛ تهران: چکمه، ۱۳۹۰.
- مرادی کرمانی، هوشنگ؛ *مربای شیرین*؛ تهران: معین، ۱۳۸۸.
- مکاریک، ایرنا ریما؛ *دانش‌نامه نظریه‌های ادبی معاصر*؛ با ترجمه مه‌رمان مهاجر و محمد تقی نبوی، تهران: آگه، ۱۳۸۵.
- نامور مطلق، بهمن؛ *نظریه‌های نقد ادبی - هنری، درآمدی بر بینامتنیت*؛ تهران: سخن، ۱۳۹۴.
- «مطالعه روابط یک متن با دیگر متن‌ها»؛ تهران: پژوهشکده علوم انسانی، ۱۳۸۶.
- «گونه‌شناسی پیش‌متنی»؛ فصلنامه پژوهش‌های ادبی؛ سال ۹، شماره ۳۸، تهران، ۱۳۹۱.
- ناصر خسرو؛ *دیوان ناصر خسرو*، تنظیم و نمونه‌خوانی جهانگیر منصور، تهران: نگاه، ۱۳۷۵.
- نجفی، ابوالحسن؛ *فرهنگ فارسی عامیانه*؛ چاپ اول، تهران: انتشارات نیلوفر، ۱۳۷۸.
- نامور مطلق، بهمن؛ «ترامتنیت مطالعه روابط یک متن با دیگر متن‌ها»؛ پژوهشنامه علوم انسانی، ۱۳۸۶.
- ناصری، مسلم؛ *روباہ و چوپان آوازخوان*؛ چاپ سوم، مشهد: به‌نشر، ۱۳۹۲.
- وکیلان، احمد رضا؛ *قصه‌های مردم*؛ تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۲.
- Gerard Genette *Palimpsests, Literature in the Second Degree*, Translate By Channa Newman & Clude Doubinsky, University Of Nebraska, London Press, (1997).
- Kristeva, J, *Nous Deux or a (Hi) story of Intertextuality*, The Romanic Review Journal January, (2002).